

پایگاه اطلاعات علمی ایران

۱۴۶۷

دانشگاه مازندران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید ابراهیم قدسی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر کیومرث کلانتری

نگارش:

یاسر یحیی زاده

۱۳۸۵ / ۱۱ / ۲۵

بهمن ماه ۱۳۸۴

انجمن اساتید علوم سیاسی
مجلس مازندران

۸۹۴۷۷

تقدیم می دارم به همسر مهربانم که مشوق و راهنمایم می باشد،

تقدیم می نمایم به پدر و مادر عزیزم،

و خواهرانم.

با تشکر از استادان ارجمند جناب آقای دکتر قدسی و دکتر کلانتری که در نگارش این

رساله مرا یاری نمودند.

چکیده

هر چند مجازات قتل عمدی بر اساس ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی، قصاص می باشد، اما در بعضی موارد، قانونگذار بر این حکم کلی، استثنایی قائل شده است. یکی از این استثنائات، این است که قاتل پدر مقتول باشد، که در این صورت، مجازات قصاص برای پدر قاتل برخلاف اصل کلی در قتل عمد، منتفی است. این حکم استثنایی (معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند) در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ (پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد) مطرح شده است.

از دیدگاه حقوق کیفری ایران که به طور کلی و خصوصاً در این مورد از فقه امامیه تبعیت کرده است، پدر در صورت قتل عمدی فرزندش، از مجازات قصاص رهایی می یابد.

در قرآن کریم در همه موارد و بدون استثناء قتل فرزندان منع شده است.

از دیدگاه حقوق اسلامی در مورد قتل فرزند توسط پدر بین فقهای امامیه و عامه اختلاف نظر وجود دارد، بدین صورت که همه فقهای امامیه پدر را در صورت قتل فرزندش از مجازات قصاص معاف می دانند، ولی در بین فقهای عامه گروهی قائل به اجرای قصاص برای پدر قاتل در صورت قتل فرزندش می باشند و گروهی دیگر همانند فقهای امامیه قائل به عدم قصاص پدر می باشند.

از منظر جرم شناختی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی قابل توجیه نمی باشد. لذا نگاشته حاضر در پی بررسی این حکم استثنایی در حقوق ایران و حقوق خارجی و همچنین فقه می باشد.

۱	مقدمه
۳	فصل اول: کلیات
۴	مبحث اول: تعریف انواع قتل
۴	گفتار اول: قتل عمدی
۴	الف : تعریف قتل عمدی از منظر قانون
۵	ب : تعریف قتل عمدی از منظر حقوقدانان
۷	ج : تعریف قتل عمدی از منظر فقها
۸	د : تعریف قتل عمدی از منظر حقوق خارجی
۹	گفتار دوم: قتل شبه عمدی
۹	الف : تعریف قتل شبه عمدی از منظر قانون
۹	ب : تعریف قتل شبه عمدی از منظر حقوقدانان
۱۰	ج : تعریف قتل شبه عمدی از منظر فقها
۱۱	گفتار سوم: قتل خطای محض
۱۱	الف : تعریف قتل خطای محض از منظر قانون
۱۲	ب : تعریف قتل خطای محض از منظر حقوقدانان
۱۲	ج : تعریف قتل خطای محض از منظر فقها
۱۳	د : مصادیق قتل خطای محض در قانون مجازات اسلامی
۱۴	مبحث دوم: پدر و جد پدری چه کسانی هستند؟
۱۴	گفتار اول: پدر کیست؟
۱۵	گفتار دوم: جد پدری کیست؟
۱۶	مبحث سوم: پیشینه تاریخی قتل عمدی فرزند توسط پدر
۱۹	مبحث چهارم : تعریف قصاص
۲۰	مبحث پنجم : تعریف معافیت

- فصل دوم: بررسی حقوقی معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند ۲۱
- مبحث اول: معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند در حقوق ایران ۲۲
- گفتار اول: تعریف و عناصر متشکله قتل عمدی فرزند توسط پدر ۲۲
- الف: عنصر قانونی ۲۲
- ب: عنصر مادی ۲۲
- ۱: وجود پدر ۲۳
- ۲: وجود مجنی علیه (فرزند) زنده ۲۳
- ۳: ارتکاب قتل عمدی با فعل مثبت ۲۴
- ۴: قتل عمدی فرزند توسط پدر از طریق ترک فعل ۲۵
- ج: عنصر معنوی ۲۷
- ۱: سو نیت عام ۲۷
- ۲: سو نیت خاص ۲۸
- گفتار دوم: مبانی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۲۹
- گفتار سوم: نقد و بررسی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۳۶
- الف: ایرادات وارد بر ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۳۶
- ب: مجازاتهای ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۳۸
- مبحث دوم: مطالعه تطبیقی معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند ۴۱
- فصل سوم: بررسی فقهی معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند ۴۶
- مبحث اول: معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند در فقه امامیه ۴۷
- گفتار اول: آیات مربوط به مذمت قتل عمدی فرزند توسط پدر در قرآن کریم ۴۷
- گفتار دوم: ادله فقهی حکم عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند ۴۹
- الف: مستندات فقهی حکم عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند در روایات ۴۹
- ب: مستندات فقهی حکم عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند در کلمات فقها ۵۴
- ج: استدلالات فقهای امامیه در خصوص قتل عمدی فرزند توسط پدر ۶۵

۶۵	۱. شهرت
۶۸	۲. اجماع
۶۹	۳. روایت
۷۶	مبحث دوم: معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند در فقه عامه
۷۶	گفتار اول: رویکرد موافق
۸۰	گفتار دوم: رویکرد مخالف
۸۱	گفتار سوم: استدلالات فقهای عامه در خصوص عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند
۸۴	مبحث سوم: الحاق یا عدم الحاق جد پدری و مادر به حکم عدم قصاص پدر
۸۴	گفتار اول: الحاق یا عدم الحاق جد پدری
۸۴	الف: الحاق یا عدم الحاق جد پدری در فقه امامیه
۸۵	ب: الحاق یا عدم الحاق جد پدری در فقه عامه
۸۵	گفتار دوم: الحاق یا عدم الحاق مادر
۸۵	الف: الحاق یا عدم الحاق مادر در فقه امامیه
۸۷	ب: الحاق یا عدم الحاق مادر در فقه عامه
۸۸	فصل چهارم: مبانی جرم شناختی معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند
۸۹	مبحث اول: بررسی علل قتل فرزندان
۸۹	گفتار اول: علل اقتصادی و اجتماعی
۸۹	الف: علل اقتصادی
۹۰	۱: فقر
۹۱	۲: فزون خواهی
۹۲	ب: علل اجتماعی
۹۲	۱: داشتن رابطه دوستی نامشروع و تعصبات مذهبی
۹۵	۲: اعتیاد
۹۶	۳: اختلافات خانوادگی و طلاق
۹۷	گفتار دوم: علل ساختاری

۱۰۲	مبحث دوم: پیامدهای قتل عمدی فرزند توسط پدر
۱۰۲	گفتار اول: نسبت به پدر
۱۰۳	گفتار دوم: نسبت به سایرین
۱۰۶	نتیجه گیری
۱۱۰	فهرست منابع و ماخذ

فصل اول

کلیات

مبحث اول: تعریف انواع قتل

گفتار اول: قتل عمدی:

الف: تعریف قتل عمدی از منظر قانون:

مهمترین جنایتی که نسبت به افراد صورت می‌گیرد قتل نفس است. در قانون مجازات اسلامی از قتل عمدی تعریفی به عمل نیامده است، بلکه ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی فقط مصادیق قتل عمد را متذکر گردیده است. ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی در خصوص مصادیق قتل عمد اشعار می‌دارد: قتل در موارد زیر عمدی است:

الف) مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع معین را دارد، خواه آن کار نوعاً کشنده باشد، خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.

ب) مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد، هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

ج) مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری و یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.

ب: تعریف قتل عمدی از منظر حقوقدانان :

گروهی از حقوقدانان قتل عمد را اینگونه تعریف کرده‌اند: «سلب ارادی حیات از انسان زنده بوسیله انسان دیگر به طریق پیش‌بینی شده در قانون^۱».

گروهی دیگر گفته‌اند: «قتل عمد، خارج ساختن روح انسان معصوم‌الدم به طور عمدی و بدون مجوز قانونی و شرعی است^۲».

گروهی دیگر از حقوقدانان می‌گویند: «قتل عمدی، عبارتست از رفتار بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری شود^۳». همچنین عده‌ای دیگر در تعریف قتل عمدی می‌گویند: «سلب غیر قانونی حیات با قصد ابتدایی یا تبعی بوسیله فعلی که بالمباشره یا بالتسبیب علیه شخص مورد حمله واقع شده است^۴».

همچنین عده‌ای دیگر نیز در تعریف قتل عمدی گفته‌اند: «قتل عمد آن است که فاعل متعمد در فعل عدوانی و قصد عدوانی باشد، اعم از اینکه با آلتی مرتکب شود که قتاله باشد یا نباشد^۵».

قانونگذار باید جرم را دقیقاً تعریف کند و این تعریف واجد سه خصوصیت باشد، مانع باشد - جامع باشد و مختصر و مفید باشد. قانونگذار هر چقدر هم که سعی کند تا تعریفش جامع و مانع باشد، با توجه به تحولی که جرم در طول زمان

^۱ سپهوند، امیرخان، حقوق جزای اختصاصی، جزوه درسی دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، سال تحصیلی (۸۱ - ۱۳۸۰) ص ۲

^۲ رهامی، محسن، حقوق جزای اختصاصی (۱)، جزوه درسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۷۸ - ۷۹.

^۳ گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۰)، حقوق جزای اختصاصی، چاپ هشتم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ص ۴۲

^۴ صادقی، محمد هادی، (۱۳۷۶)، حقوق جزای اختصاصی، تهران، نشر میزان، ص ۴۰

^۵ صالح ولیدی، محمود، (۱۳۷۴)، حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج دوم، ص ۶۱

پیدا می‌کند و با توجه به فکر و فعل و انفعال ذهنی بشر در طول زمان که قابل پیش‌بینی نیست، امکان دارد که موردی از شمول موارد آن تعریف خارج گردد، بنابراین قانونگذار آگاه تعریف کردن جرم را بعهدده رویه قضایی و دکترین می‌گذارد، در عین حالی که قتل را مجازات می‌کند، آن را تعریف نمی‌کند و همچنین سرقت را^۱.

ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) جرم قتل را تعریف نکرده بود^۲ و تعریف آن را به رویه قضایی سپرد ولی بعد از انقلاب اسلامی، قانونگذار، بدون آنکه جرم قتل عمدی را تعریف کند، فقط به ذکر مصادیق این جرم در ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی اکتفا کرده است.

بطور کلی تعریف قانونگذار به دو صورت است: یک صورت آن، رویه‌ای است که در بحث سرقت اعمال کرده است، بدین صورت که جرم سرقت را تعریف می‌کند و می‌گوید: سرقت عبارت است از ربودن مال غیر بطور پنهان^۳، صورت دیگر نیز این گونه است که قانونگذار بدون آنکه جرم را تعریف کند فقط مصادیق آنرا در ماده قانونی بیاورد. در مورد قتل عمد هم وفق ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار از همین رویه دوم استفاده کرده، یعنی فقط به گفتن مصادیق قتل عمدی اکتفا کرده، بدون اینکه این جرم را تعریف کند.

^۱ ر،ک، آزمایش، علی، (۷۶-۱۳۷۵)، مبحث قتل، جزوه کارشناسی ارشد، ص ۴

^۲ ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، «مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است.»

^۳ آزمایش علی، همان، ص ۵

ج: تعریف قتل عمدی از منظر فقها:

جرم قتل عمدی از نظر گروهی از فقها، اخراج نفس معصوم از روی عمد، تعریف شده است. البته با شرایط زیر: عمد محقق گردد با قصد قتل و ارتکاب فعل کشنده ولو اینکه این فعل نادراً کشنده باشد و با قصد ارتکاب فعل غالباً کشنده هر چند که قصد قتل را نکرده باشد و عمد می تواند بالمباشره باشد یا تسبیبی باشد^۱.
عدهای دیگر از فقها در تعریف قتل عمد گفته اند: «قتل عمد بمعنی خارج کردن نفس معصوم و همتا از روی عمد و ستم^۲.»

عدهای دیگر نیز گفته اند: «اخراج نفس معصوم و برابر بوسیله شخص عاقل و بالغ^۳.»

گروهی دیگر از فقها در مورد قتل عمد می گویند: «ضابطه عمد اینستکه قاتل در فعل و در قصد خود عامد باشد و به آن آگاهی داشته باشد^۴.»
در صحیحہ ابی العباس و زرارہ^۵ در مورد قتل عمد، آمده است: «عمد محض آن است که: قصد مقتول را بنماید و با چیزی که کشنده است او را بکشد...^۶»

^۱ الخمینی، روح الله، (۱۳۸۳)، تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دارالعلم، ج چهارم، ص ۳۸۰

^۲ العاملی، جمال الدین مکی، (۱۳۸۰)، لمعه دمشقیه، ترجمه علی شیروانی، چاپ پانزدهم، قم، انتشارات دارالفکر، ج دوم، ص ۲۵۸

^۳ عاملی، الشہید السعید سید زین الدین الجبعی، (۱۳۷۸)، الروضه البیہ فی الشرح للمعہ الدمشقیه، چاپ چهارم، قم، ناشر مؤسسہ اسماعیلیان، جلد سوم، ص ۳۰۸

^۴ حلّی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفرین الحسن، (محقق حلّی)، شرایع الاسلام، جلد ۴، ص ۲۴۵.

^۵ «ان العمد: ان يتعمده في قتله بما يقتل مثله، و الخطا: ان يتعمده و لا يريد قتله، يقتله بما يقتل مثله، و الخطا الذي لا شك فيه: ان يتعمد شيئاً آخر فيصيبه»

^۶ الحر العاملی محمد بن الحسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، (۱۴۰۱)، چاپ پنجم، ج ۱۹، ص ۲۷ و ۲۸.

د: تعریف قتل عمدی از منظر حقوق خارجی:

در حقوق جزای انگلستان تعریف قتل عمد عبارت است از، کشتن غیر قانونی مخلوق عاقل، توسط شخصی که دارای عقل سالم و سن تشخیص است، با اندیشه سوء قبلی (چه این سبق تصمیم از سوی متهم تصریح گردد یا قانوناً استنباط شود)، بطوری که شخص مجروح یا مصدوم ظرف مدت یک سال و یک روز در اثر جراحت یا صدمه وارده فوت نماید.^۱

اگر مرگ ظرف مدت یک سال و یک روز رخ ندهد، متهم مقصر به قتل عمد نخواهد بود، بلکه تنها مقصر به ارتکاب جرمی بموجب «قانون جرایم علیه اشخاص» و معمولاً مقصر به ایراد صدمه جسمانی شدید شناخته خواهد شد. این قاعده ابتدائاً برای حل مشکلات مربوط به سببیت ایجاد شد ولی با پیشرفتهای پزشکی این توجیه مردود شناخته شد و این قاعده بوسیله قانون اصلاح و قانون (یک سال و یک روز) مصوب ۱۹۹۶ نسخ شد.^۲

^۱ رمضانی، محمود- یزدانی، صیقل- سلیمی، مهدی، (۱۳۸۲)، نکات مهم حقوق جزای انگلستان، چاپ اول، تهران، انتشارات

بهنامی، ص ۲۰۷

^۲ همان، ص ۲۰۹

گفتار دوم: قتل شبه عمدی

الف: تعریف قتل شبه عمدی از منظر قانون:

قانونگذار در بند (ب) ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی با ذکر دو مثال قتل شبه عمدی را اینگونه تعریف می کند: در موارد زیر دیه پرداخت می شود:

ب- قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای شبه عمد واقع می شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعا سبب جنایت نمی شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد. مانند آنکه کسی را به قصد تادیب به نحوی که نوعا سبب جنایت نمی شود بزند و اتفاقا موجب جنایت گردد یا طبیعی مباشرتا، بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقا سبب جنایت بر او شود.

ب: تعریف قتل شبه عمدی از منظر حقوقدانان:

گروهی از حقوقدانان راجع به قتل شبه عمدی می گویند: «اگر شبیه عمد را تجزیه و تحلیل کنیم می بینیم که در این جرم نیز بلا تردید عنصر اراده وجود دارد، نهایت آنکه عمد و سوء نیت فقط در یکی از اجزای جرم است. مانند کسیکه برای تادیب می زند و آن ضربه منجر به مرگ مضروب می گردد»^۱.

با توجه به بند ب ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی و تعاریف ارائه شده از قتل شبه عمد میتوان آنرا را اینگونه تعریف کرد: قتل شبه عمد قتلی است که، در آن

^۱ پاد، ابراهیم، (۱۳۸۱)، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ اول، تهران، انتشارات رهام، جلد اول، صفحه ۱۲۷

عملی که در مورد مقتول انجام می یابد آگاهانه است اما قصد قتل در میان نیست و عمل انجام یافته نیز کشنده نمی باشد و اتفاقاً موجب قتل می گردد.

ج: تعریف قتل شبه عمدی از منظر فقها:

گروهی از فقها در تعریف قتل شبه عمد می گویند: «قتل شبه عمد عبارت است از اینکه، قاتل در فعل خود تعمد دارد و همچنین قصد وارد کردن آن فعل را بر مجنی علیه دارد ولی قصد قتل ندارد. مثلاً طبیب ضامن آنچه که در معالجه مریض تلف می کند است»^۱

گروهی می گویند: «شبهه عمد آن است که قصد آن شخص را داشته باشد، اما قصد کشتن نداشته باشد و اتفاقاً کشته شود، مثل آنکه طفلی را برای تادیب به حدی که کشنده نباشد کتک بزنند و بمیرد»^۲.

همچنین در صحیحہ حلبی آمده است: «عمد آن است که آدمی چیزی را بخواهد و به آن نائل آید و خطا آن است که چیزی را بخواهد و به غیر از آنچه خواسته است دست یابد»^۳.

^۱ العاملی، الشہید السعید زین الدین الجبعی، (۱۳۷۸)، الروضه البہیہ فی شرح اللعۃ الدمشقیہ، چاپ چهارم، قم، ناشر

مؤسسہ اسماعیلیان، جلد سوم، ص ۳۴۲.

^۲ مجلسی، شیخ محمد باقر، حدود و قصاص و دیات، تحقیق و بررسی از علی فاضل، ناشر مؤسسہ نشر آثار اسلامی، ص ۶۷.

^۳ الحر العاملی محمد بن الحسن، همان، ص ۲۴، ۲۵.

آنچه در این روایت قابل ملاحظه است آن است که در روایت تعبیر «شیئا» آمده است نه «شخصا» یعنی گفته شده است چیزی را بخواهد و این چیز همان قتل نفس است.

در صحیحہ ابی العباس و زرارہ آمده است: «... و خطای شبہ عمد آنستکه:» (او را هدف گرفته) و قصد وی را داشته، اما قصد کشتنش را ننموده است و با چیزی او را به قتل برساند که کشنده نیست...^۱

با توجه به تعاریف قتل شبہ عمد از منظر فقہا و حقوقدانان می توان آنرا اینگونه تعریف کرد: در قتل شبہ عمد، قصد قتل وجود ندارد و عملی که در مورد مقتول انجام یافته آگاهانه است ولی کشنده نیست و اتفاقا موجب قتل می گردد.

گفتار سوم: قتل خطای محض

الف: تعریف قتل خطای محض از منظر قانون:

تعریف قتل خطای محض در بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی اینگونه آمده است: الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض واقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آنکه تیری را به قصد شکار رها می کند و به شخصی برخورد می کند.

^۱ همان، ص، ۲۷، ۲۸.

در این تعریف می توان به دو نکته توجه کرد: ۱- جانی قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه ندارد.

۲- جانی قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه را نداشته باشد.

ب: تعریف قتل خطای محض از منظر حقوقدانان :

یکی از مصادیق قتل و صدمات بدنی غیر عمدی ، قتل یا جرح یا نقص عضو خطای محض است که در آن عمل ارادی مرتکب مطلقا با سونیت نمی باشد ، در واقع متهم نه در فعل و نه در نتیجه حاصله از آن، قصد و عمد مجرمانه ندارد.^۱

قتل خطای محض یا خطایی - که در آن انسان به منزله آلت بی اراده عوامل طبیعی و پیش آمدهای قاهره می شود ، نه در فعل و نه در نتیجه آن عمد ندارد ، مرتکب خطایی هم نمی شود که به سبب آن قابل ملامت و مجازات باشد.^۲

ج: تعریف قتل خطای محض از منظر فقها:

در خصوص قتل خطای محض گروهی از فقها می گویند: « خطای محض آن است که قاتل هم در فعل و هم در قصد خود عمدی ندارد.^۳»

در صحیحه ابی العباس و زراره آمده است: « ... و خطای محض آنستکه : قصد چیز دیگری را داشته است ، ولی اتفاقا به وی اصابت نموده است .^۱

^۱ گلدوزیان، ایرج، همان، ص ۱۶۴.

^۲ یاد، ابراهیم، همان، ص ۱۲۶.

^۳ حلی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفر بن الحسن، (محقق حلی)، همان.